



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۳/۱۳



عزیزالله کهگدای

یادداشتهای حافظ نور محمد کهگدای

قسمت ۵۳

زائرچینی که در اواخر سال ۹۹ق-۶۳۰م از شمال کابل به لغمان، ننگرهار و اراضی مجاور گذشته بود، در مورد اداری و مالیات این سرزمین میگوید: در این جا کارجبری نیست، مالیات هم به مقدار کم گرفته میشود و خدماتی که مردم انجام می دهند نیز معتدلانه است. همه مردم برای اعاشه خود باید زراعت کنند و کسانیکه املاک شاهی را زرع میکنند، شش یک محصول زمین را اخراج دهند. سوداگران برای تجارت همواره رفت و آمد دارند و مالیات بسیار اندک از پلها، دریاها و سرکها حرج گیری ها گرفته میشود. برای انجام کارهای دولتی مردم را حشر میکنند و به تناسب مقدار کار اجرت معقولی دهند. حکام و وزیران و قضایان و کاداران دولتی، زمین های خاص برای تأمین معیشت دارند.

باغ شهرآرا: این باغ سرسبز و مصفا در منطقه سینما پامیر، شفاخانه مستورا ت، کلنیک مرکزی، بانک خون تا دامنه کوه شیردروازه دربر گرفته و موقعیت داشت که جهانگیر احداث این باغ را به شهر بانو بیگم عمه بابر شاه گورگانی و خواهر الغ بیگ و دختر ابوسعید گورگانی ساخته است که اکثر شاهان مغولی از هندوستان در همین باغ اقامت داشتند. در سال ۹۸۹ ق جلال الدین اکبر پادشاه که برای اولین بار بکابل سفر کرده بود چون صفت باغ شهرآرا را شنیده بود در همین باغ مقیم شد و به آرزوی خود رسید.

سپس در ۱۰۱۶ق نورالدین جهانگیر که در سفر بعدی خود به سواری فیل بکابل آمد از پل «مستان» تا باغ شهرآرا که محل نزول آن بود از میان صف مستقبلین در حالیکه فیل به آهستگی حرکت میکرد از بالای فیل مشت پول به فقرا و محتاجان افشاند و باغ مذکور شد.

شیخ حیدر قزلباش اتباع خود را از سلسله خاندان صفویه پسر شیخ جنید، امر کرد تا بجای کلاه ترکی، کلاه سرخ رنگ دبل «تاج ۱۲ ترک» بر سر نهادند و «۱۲ ترک» رمز ۱۲ امام است. از همین جهت این جماعت موسوم به قزلباش یا «سرخ مو» نامیده شدند.

در جنگ دوم افغان و انگلیس «۱۸۷۸ م» از جانب مردم برهبری سران قوم و رهبران دینی آغاز گردید. بافرار و نشیب فراوان تا خروج کامل قوای اجنبی از کشور ادامه یافت. تخریب بالاحصار مقبول و تاریخی و اعدام دسته جمعی غازیان، بدون تحقیق افراد مجرم، به قتل سفیر انگلیس تمام شد. در مقابل حس بدبینی در از هان مردم نه تنها علیه انگلیس ها بلکه در برابر تمام اروپایی ها باقی گذاشت.

در جنگ دوم افغانستان با انگلیس ۱۷ نفر از غازیان کابل که با وجود تسلط انگلیس در کابل و نواحی آن اسلحه خود را از تن نکشیده و برای آنکه موقع جنگ بیابند کمر بسته شجاعانه می گشتند. بعضی از آن مردمان دشمن گداز این ها بودند (۱: آغا عبدل مندی و وار (۲) عبدالوهاب خوابگاهی توخی - ۳) لاله میرجان اندرابی وار - ۴ صوفی اسماعیل اندرابی وار - ۵) صوفی گل محمد مرحوم شهید عم گرامی من - ۶) ماما قادر - ۷) کاکا جمعه اندرابی وار - ۸) خلیفه شیرمحمد مامای پدرم - ۹) خلیفه غلام محی الدین پسر مامای پدرکلانم - ۱۰) کاکای کلانم احمد علی - ۱۱) خواجه امین ساکن جوی شیر - ۱۲) قربان علی و متبانی نیز از غازیان کابل بودند.

اعلیحضرت احمد شاه بابا در اوایل سلطنت خود متوجه امور کشوری شده، تشکیلات دولت را بنا نهاد و اشخاص بارسوخ دارای سبیه عالی ذیل را که همه از روسای عشایر مخصوصاً عشیره پوپلزایی بودند به نحوی که در برابر اسم هریک منصب شان توضیح شده لقب و منصب داد:

- بگی خان پوپلزایی با لقب شاه ولی خان بچیث کیشک چی باشی «رئیس محافظین شاهی» .
- عبدالله خان پوپلزایی با لقب شاه پسند خان بچیث دیوان بیگی «فرمانده دفاتر رسمی» .
- حاجی نواب خان الکوزایی بچیث صاحب جمع صندوق خانه «رئیس خزائن» .
- برخوردارخان اچکزایی بچیث قابوچی باشی «رئیس محافظان سرپرده شاهی» .
- محبت خان بلوچ بچیث ضبط بیگی «رئیس نگهداری املاک» .
- جعفرخان پوپلزایی بچیث قللر آقاسی «قل لغت ترکی بمعنی غلام و لر بمعنی غلامان و آقاسی بمعنی سردار، بنابران قللر آقاسی» یعنی سردار غلامان» .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

- جان خان پوپلزایی بحیث سرلشکر.

احمد شاه درانی در ابتدای سلطنت بهادر چغتایی، به پنجاب آمد بعداً ۱۴ لک روپیه را گرفته به قندهار مراجعت کرد و در سال ۱۷۶۱م دورسلطنت شاه عالم ابن عزیزالدین عالمگیر برای تنبیه مرهته به هند آمد. و مرهته را که دارای دولت سوار جرار بود دریانی پت شکست داد. در این روز از پانی پت الی دهلی ۱۵ هزار مرهته را کشته و چهار کرور روپیه نقد و جواهرات از آنها بتاراج و دولت مرهته را در پانی پت شکست داد.

سید عبدالله خان شاه جی از اهالی پنجاب که در مکتب عسکری پنجاب تحصیل کرده است در سالهای اخیر به افغانستان هجرت کرده و تابعیت افغانستان را اختیار نمود. موصوف مرد فعال و دلاور بوده در امور حربی لیاقت و معلومات کافی داشت در موقع شورش سمت جنوبی با سایر عساکر افغان به معیت اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی جان فشانی نموده است بعد از آنکه محمد نادرشاه بقدرت رسید موصوف را نظریه خدماتیکه در موقع شورش سمت جنوبی انجام داده بود به برتبه فرقه مشر مقرر گردید و بعداً در شورش های ثانی برتبه نائب سالار نایل گردید. **شاه شجاع** در ۱۷۰۹ در نمله در جنگ با وزیرفتح خان شکست خورد و وزیرفتح خان بعد از ۳۰ سال جدایی از وطن در سرحد هند واپس خود را به قدرت رسانید. حینی که بعد از هجوم برغزنی، کمپ ها کنده شد، شاه شجاع به همراهی یک دسته عسکر طرف کابل روانه شد، لاکن در راه برایش اطلاع رسید که امیر دوست محمد خان با یکدسته عساکر به ارغنده علیا رسیده است چون در جمله عساکر دوست محمد خان بسیار قزلباش ها نیز موجود است، از خوف اینکه مبدا بدشمن اطلاع دهند، نزد هر کدام قرآن کریم را شفیع برده مطالبه نمود که این اطلاع را به دشمن نرساند روا دار نشوند که ملک بدست شخصی افتد که شهر را مملو از کفر پُرسازد، لاکن گفتار او با این التجاهش کارگر نیفتاد، مجبور شد که با یک دسته محدود عساکر خود طرف قندوز فرار نماید.

در اکتس همان سال شاه شجاع به مشایعت مردم کابل وانگلیس به پایتخت خود در بالاحصار داخل شد و با « سر جان کین » آمرشعبه عسکری و سائر روساء یکجا شد. با وجودی که ورودش به آرزوهای بلند و ندهای پُرشور اهالی که ناشی از انتهای خوشی و صمیمیت بود، استقبال نگرید طوریکه از سیمای مردم پیدا بود از ورود شاه شجاع خوش بودند که بعد از یک مدت مدیدی وارد بالاحصار شد و به فیرتوپ ها خیرمقدم شده علایم عشرت و شادی در او مستولی و مسرت داشت به اینکه بعد از چندین سال زحمات آوارگی و جدایی از وطن، باز به محل رهایش مستریخ خود عودت کرد.

در اوایل سال ۱۸۴۰م دوست محمد خان باز در حدود چهار هزار عسکر جمع کرده بکابل حمله کرد، لاکن در ناحیه دره پروان مغلوب شده مجبور از میدان جنگ فرار کند. بعداً خود را به سرافسر قوای انگلیس « سرویلهم مکانتان » تسلیم کرد.

و سلطنت بر شاه شجاع استوارتر و محکمتر شد. دوست محمد خان با حیدر پسرش که در غزنی اسیر گرفته شده بود اجازه یافت تا با پدر خود یکجا به هند فرار کند.

سران ملی در جنگ دوم افغان وانگلیس ۱۴۰۰ اق - ۱۸۷۸ م :

- میرسید خان جرنیل استالی . - عصمت الله جرنیل . - سیف الدین جرنیل . - محمد علی خان وکیل سینانچی که در مهر خود چنین فردی کنده بود « درخت بخت محمد علی چو دادسمر - وکیل دولت شه گشت و جانشین پدر ». - محمد علم سهاک

- زین العابدین کوتوال . - میرامام صاحبزاده پایمناری . - میرفقیر غازی . - طهماس برگد . - خان محمد سهاک و پسرانش . - صمد علی فراری . - جرنیل محمد جان خان وردک . - مولوی مشک عالم اندری . - میربچه کوهدامنی با دوهزار نفر . - حاجی عطا محمد مامای محمد جان خان وردک که اوسر هنگ بود با پنج هزار نفر از دروازه روبروی باغ شاه داخل احاطه شیرپور شد . - سرورخان پروانی که بانفیری معیت خود و سه هزار تفنگ های چقماقی و پتاقی از پروان یعنی جبل السراج آمده بود. نفری وی در قریه « چاه خواجه نجم الدین» بیمار و « بی بی مهر» افتاده بود و خود سرور خان در قلعه میرآخور مدد بود. سمندر خان، محمد عمر، تیمورشاه خان، نکو خان، ارسله خان، فضل احمد خان و محمد حسن خان که برادران سرورخان بودند بمعیت برادر خود غزا میکردند، این سرورخان پسر رجب خان است و خان کوهستان گفته میشد و غیر از اینها که شمردیم، چندین برادر دیگر هم داشت که همه شامل جنگ شده بودند . - لنگر خان پنجشیری از پنجشیر . - نواب خان استرغچی که لاتی شده بود و از انگریز طرف داری میکرد .

« پایان »